

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

مددکاری اجتماعی

(جلد ۱۳)

۱۴۰۳

تألیف و تدوین
گروه مولفین

فهرست مطالب

آزمون دکترای مددکاری اجتماعی ۱۴۰۳

۷.....	مددکاری فردی
۹.....	پاسخنامه مددکاری فردی
۴۲.....	مددکاری جامعه‌ای
۴۴.....	پاسخنامه مددکاری جامعه‌ای
۶۲.....	نظریه‌های مددکاری اجتماعی
۶۴.....	پاسخنامه نظریه‌های مددکاری اجتماعی
۸۳.....	روش‌های پژوهش در مددکاری اجتماعی
۸۴.....	پاسخنامه روش‌های پژوهش در مددکاری اجتماعی
۹۸.....	آسیب‌شناسی اجتماعی
۱۰۰.....	پاسخنامه آسیب‌شناسی اجتماعی
۱۱۸.....	منابع



۴۰. در نظریه‌هایی که برای مددکاران اجتماعی مطرح شده، فهم بی واسطه رفتار مددجویان مبتنی بر کدام نظریه است؟
 (۱) مبادله (۲) تفهمی (۳) ارتباط محاوره‌ای (۴) کنش متقابل نمادی
۴۱. در نظریه وظیفه مداری، فعالیت مددکاران اجتماعی معطوف کدام مشکلات است؟
 (۱) مشکلاتی که قابل تعریف و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده و مورد تأیید مراجعان باشند.
 (۲) مشکلاتی که قابل تعریف بوده اما مراجعان تعریف درستی از آن نداشته ولی به دنبال تغییر آن باشند.
 (۳) مشکلاتی که قابل تعریف و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده، اما مراجعان توانایی تحلیلی آن را نداشته باشند.
 (۴) مشکلاتی که ناشی از خواست‌های برآورده نشده و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده، اما مراجعان نسبت به آنها آگاه نباشند.
۴۲. در مدل خانواده درمانی ناتان اکرمن، مددکار به خانواده جهت کدام رفتار زیر کمک می‌کند؟
 (۱) تلاش و کوشش جهت همبستگی
 (۲) درک و بررسی مشارکت بین نسلی
 (۳) افشای صادقانه‌تر تضادهای بین فردی
 (۴) تمایز بین سیستم‌های عاطفی و فکری خانواده
۴۳. کدام مورد در خصوص مفهوم تمایز یافتگی خود «در نظریه سامانه‌های خانواده»، درست است؟
 (۱) به توانایی فرد جدا کردن خویش از خانواده گسترده اشاره دارد.
 (۲) هرچه میزان تمایز یافتگی بیشتر باشد، فرد رابطه صمیمانه‌تری با خانواده خواهد داشت.
 (۳) تمایز یافتگی خود، بیشتر از آنکه از ویژگی‌های رابطه به شمار رود، ویژگی فردی محسوب می‌شود.
 (۴) به توانایی فرد برای تمایز قائل شدن بین افکار و احساسات خود و انجام واکنش‌های درست اشاره دارد.
۴۴. عبارت زیر، با کدام نظریه مطابقت دارد؟
 «همه تجربه‌های شخصی، اساساً دوپهلوی و مبهم‌اند، بنابراین ما برای معنی دادن به آنها و یکپارچه کردنشان، باید نظامی داستان گونه به آنها بدهیم و این داستان‌ها صرفاً منعکس کننده زندگی ما نیستند، بلکه آنها را شکل می‌دهند.»
 (۱) ساختاری خانواده (۲) رفتارگرایی (۳) شناختی (۴) روایتی
۴۵. کدام دیدگاه‌ها منجر به «مفهوم‌سازی مجدد» مددکاری اجتماعی در آمریکای لاتین شد؟
 (۱) توانمندسازی (۲) حساسیت فرهنگی (۳) الهیات رهایی بخش (۴) ضد تبعیض و ضدستم
۴۶. کدام الگو، فرض می‌کند که تعبیر و تفسیرهای افراد درباره خودشان، ارزشمند و معتبر هستند؟
 (۱) انسان محوری (۲) مداخله در بحران (۳) کنش متقابل (۴) وظیفه مداری
۴۷. کدام مورد در خصوص «مصاحبه انگیزشی» به عنوان یک روش «مراجع محور» که در نیم قرن اخیر مورد توجه و استفاده فزاینده مددکاران اجتماعی قرار گرفته است، درست است؟
 (۱) «توانمندسازی» مراجعان با کمک به آنها برای دستیابی به کنترل بیشتر بر زندگی و سرنوشت‌شان است.
 (۲) درگیر کردن مراجعان بی تفاوت در مشکلاتی که خود مراجع (مددجو) یا افراد مهم زندگی‌اش، آنها را مهم می‌دانند.
 (۳) رویکرد کوتاه مدت به مداخله بالینی است که طی آن، مددکار اجتماعی و مراجع (مددجو) به راه‌حل‌ها، بیشتر از خود آنها توجه دارند.
 (۴) این روش می‌تواند برای مطالعه واکنش‌های انسان به موقعیت‌های بسیار استرس‌زا مناسب باشد و برای افرادی که با بحران مواجه می‌شوند، مورد استفاده قرار گیرد.
۴۸. کدام نظریه، بر کمک به افراد تمرکز می‌کند تا ادراکات و عقاید غلط خود را حذف کنند؟
 (۱) سیستم‌های بوم شناختی (۲) توانمندسازی (۳) چندفرهنگی (۴) شناختی
۴۹. نظریه سامانه‌های عاطفی خانواده، بر اهمیت کدام یک از نکات اصلی زیر تأکید دارد؟
 (۱) عقل‌گرایی در شکل‌گیری سلامت افراد
 (۲) شناخت عمیق سطوح عاطفی اعضای خانواده
 (۳) تجربه‌های عاطفی اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌ها
 (۴) عقلانیت اعضا بیش از تجربه‌های عاطفی در تصمیم‌گیری‌ها
۵۰. در نظریه حل اختلاف غیردادگاهی، مددکاران اجتماعی بر کدام یک از قلمروهای زیر می‌اندیشند؟
 (۱) «رقابت - تضاد» و «میانجی‌گری - مصالحه»
 (۲) «رقابت - کشمکش» و «همکاری - مشارکت»
 (۳) «رقابت - قاطعیت» و «مشارکت - همکاری»
 (۴) «رقابت - قاطعیت» و «همکاری - سازش»

۵۱. طبق دیدگاه‌های فردنگر - اصلاح طلب (Individualist-reformist) مددکاران اجتماعی چه اقداماتی می‌کنند؟

- (۱) به دنبال همکاری و حمایت متقابل در اجتماع هستند.
- (۲) به حفظ نظم اجتماعی و ساختارهای اجتماعی کمک می‌کنند.
- (۳) در پی تغییر و دگرگونی جوامع به نفع محروم‌ترین افراد جامعه هستند.
- (۴) در پی دستیابی به بهترین و حداکثر رفاه ممکن برای افراد گروه‌ها و جوامع هستند.

۵۲. کدام مورد در خصوص «مصاحبه انگیزشی»، درست است؟

- (۱) بررسی و حل دوگانگی، وظیفه مددکار اجتماعی و مراجع است.
- (۲) انگیزه تغییر، از مراجع و محیط پیرامون او سرچشمه می‌گیرد.
- (۳) آمادگی برای تغییر، در تعاملات بین فردی شکل می‌گیرد.
- (۴) تشویق مستقیم، روش مؤثری برای حل دوگانگی است.



۴۰. گزینه ۲)

شرح سوال

سوال در مورد نظریه‌ای در مددکاری اجتماعی است که بر اساس آن، مددکار اجتماعی می‌تواند بدون واسطه و مستقیماً رفتار مددجو را درک کند.

دلایل علمی انتخاب گزینه صحیح

نظریه تفهیمی (Interpretive Theory) در مددکاری اجتماعی بر این باور است که مددکار اجتماعی باید تلاش کند تا معنا و انگیزه‌های پنهان در رفتار مددجو را درک کند. این نظریه بر اهمیت همدلی، درک دیدگاه مددجو و تفسیر رفتار او در context اجتماعی و فرهنگی‌اش تأکید دارد. به عبارت دیگر، مددکار اجتماعی باید بتواند "خود را جای مددجو بگذارد" و از دریچه نگاه او به مسائل نگاه کند.

تحلیل، تفسیر و نقد گزینه صحیح

نظریه تفهیمی بر خلاف سایر نظریه‌ها که بر مشاهده رفتار و یا تأثیر عوامل خارجی تأکید دارند، بر درک عمیق و همدلانه رفتار مددجو تمرکز دارد. این نظریه معتقد است که رفتار انسان پیچیده است و نمی‌توان آن را صرفاً با مشاهده ظاهری و یا تحلیل منطقی درک کرد. بلکه باید به دنبال معنا و انگیزه‌هایی بود که در پس این رفتارها نهفته است.

تحلیل و تفسیر تکمیلی

۱. **اهمیت همدلی:** در نظریه تفهیمی، همدلی نقش کلیدی دارد. مددکار اجتماعی باید بتواند با مددجو ارتباط همدلانه برقرار کند و احساسات و تجربیات او را درک کند. این امر به مددکار کمک می‌کند تا بتواند رفتار مددجو را از دیدگاه او تفسیر کند و به درک عمیق‌تری از مسائل او برسد.
۲. **درک context:** نظریه تفهیمی بر اهمیت درک context اجتماعی و فرهنگی رفتار مددجو تأکید دارد. رفتار انسان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، خانواده، و تجربیات گذشته قرار دارد. مددکار اجتماعی باید این عوامل را در نظر بگیرد تا بتواند رفتار مددجو را به درستی تفسیر کند.
۳. **تفسیر رفتار:** در نظریه تفهیمی، مددکار اجتماعی به دنبال تفسیر رفتار مددجو است. این بدان معناست که مددکار تلاش می‌کند تا معنا و انگیزه‌های پنهان در رفتار مددجو را کشف کند. برای این کار، مددکار از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و تحلیل اسناد استفاده می‌کند.
۴. **محدودیت‌ها:** نظریه تفهیمی نیز مانند سایر نظریه‌ها محدودیت‌هایی دارد. یکی از محدودیت‌های این نظریه این است که تفسیر رفتار مددجو می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌های شخصی مددکار قرار بگیرد. بنابراین، مددکاران اجتماعی باید آگاه باشند که تفسیر آنها از رفتار مددجو ممکن است تحت تأثیر عوامل شخصی قرار داشته باشد و باید تلاش کنند تا حد امکان از این سوگیری‌ها جلوگیری کنند.

نتیجه‌گیری

نظریه تفهیمی یکی از نظریه‌های مهم در مددکاری اجتماعی است که بر اهمیت درک عمیق و همدلانه رفتار مددجو تأکید دارد. این نظریه به مددکاران اجتماعی کمک می‌کند تا بتوانند رفتار مددجو را در context اجتماعی و فرهنگی‌اش تفسیر کنند و به درک بهتری از مسائل او برسند. با این حال، مددکاران اجتماعی باید آگاه باشند که تفسیر آنها از رفتار مددجو ممکن است تحت تأثیر عوامل شخصی قرار داشته باشد و باید تلاش کنند تا حد امکان از این سوگیری‌ها جلوگیری کنند.

تحلیل و تشریح تخصصی گزینه‌ها

در ادامه به بررسی تک تک گزینه‌های سوال و دلایل عدم انتخاب آنها از منظر تخصصی مددکاری اجتماعی و نظریه‌های مددکاری اجتماعی می‌پردازیم و نکات تخصصی مرتبط با سوال و گزینه‌ها را به همراه اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی آنها شرح می‌دهیم.

۱) مبادله (Exchange)

- **دلیل عدم انتخاب:** نظریه مبادله (Exchange Theory) بیشتر بر تعاملات اجتماعی و اقتصادی و سود و زیان افراد در این تعاملات تأکید دارد. در حالی که سوال مورد نظر به فهم بی‌واسطه رفتار مددجو توسط مددکار اشاره دارد که بیشتر در نظریه‌های تفسیری و ارتباطی مورد توجه است.
- **توضیحات تخصصی:** نظریه مبادله در مددکاری اجتماعی می‌تواند در تحلیل روابط بین مددکار و مددجو و همچنین درک پویایی‌های گروهی مورد استفاده قرار گیرد. اما نمی‌تواند به طور کامل تبیین‌کننده فهم بی‌واسطه رفتار مددجو باشد.
- **اصطلاح تخصصی:** Social Exchange Theory (نظریه مبادله اجتماعی)
- **تشریح اصطلاح:** نظریه مبادله اجتماعی بر این اصل استوار است که افراد در تعاملات خود به دنبال حداکثر کردن سود و حداقل کردن زیان هستند. این نظریه در مددکاری اجتماعی برای تحلیل روابط بین افراد و گروه‌ها و همچنین درک رفتار آنها در موقعیت‌های مختلف کاربرد دارد.



۳) ارتباط محاوره‌ای (Conversational Communication)

- دلیل عدم انتخاب: ارتباط محاوره‌ای اگرچه در فرایند مددکاری اجتماعی بسیار مهم است و به ایجاد رابطه حسنه و جمع‌آوری اطلاعات کمک می‌کند، اما به خودی خود نمی‌تواند فهم بی‌واسطه رفتار مددجو را تضمین کند. فهم رفتار مددجو نیازمند تحلیل و تفسیر عمیق‌تر و همدلانه است که در نظریه تفهیمی به آن پرداخته می‌شود.
- توضیحات تخصصی: ارتباط محاوره‌ای مؤثر می‌تواند به مددکار در درک بهتر مسائل مددجو و ایجاد اعتماد کمک کند. اما برای فهم بی‌واسطه رفتار مددجو، مددکار نیازمند استفاده از مهارت‌های تفسیری و تحلیلی نیز هست.
- اصطلاح تخصصی: Therapeutic Communication (ارتباط درمانی)
- تشریح اصطلاح: ارتباط درمانی به نوعی از ارتباط اشاره دارد که در آن مددکار با استفاده از مهارت‌های کلامی و غیرکلامی خود به مددجو کمک می‌کند تا احساسات، افکار و تجربیات خود را بیان کند و در مورد مسائل خود به بینش برسد.

۴) کنش متقابل نمادی (Symbolic Interactionism)

- دلیل عدم انتخاب: کنش متقابل نمادی بر نقش نمادها و معانی در شکل‌دهی رفتار انسان تأکید دارد. این نظریه می‌تواند در درک چگونگی تأثیر فرهنگ و جامعه بر رفتار مددجو مفید باشد، اما به طور مستقیم به فهم بی‌واسطه رفتار مددجو توسط مددکار نمی‌پردازد.
- توضیحات تخصصی: کنش متقابل نمادی می‌تواند به مددکار در درک معانی و نمادهایی که برای مددجو مهم هستند کمک کند. این امر می‌تواند در فرایند مددکاری و ارائه خدمات مناسب مؤثر باشد.
- اصطلاح تخصصی: Symbolic Interactionism (کنش متقابل نمادی)
- تشریح اصطلاح: کنش متقابل نمادی بر این ایده استوار است که افراد از طریق نمادها و معانی که در جامعه وجود دارد، با یکدیگر و با دنیای اطراف خود در تعامل هستند. این نظریه در مددکاری اجتماعی برای درک چگونگی تأثیر فرهنگ و جامعه بر رفتار افراد و همچنین برای تحلیل روابط بین افراد و گروه‌ها کاربرد دارد.

نکات تخصصی بیشتر

- همدلی (Empathy): همدلی یکی از مهم‌ترین عناصر در نظریه تفهیمی است. مددکار باید بتواند خود را جای مددجو بگذارد و از دیدگاه او به مسائل نگاه کند. این امر به مددکار کمک می‌کند تا بتواند رفتار مددجو را به درستی تفسیر کند و به درک عمیق‌تری از مسائل او برسد.
- تفسیر (Interpretation): تفسیر رفتار مددجو نیازمند دانش و مهارت بالایی است. مددکار باید بتواند با استفاده از دانش خود در زمینه علوم اجتماعی و روانشناسی، رفتار مددجو را در context اجتماعی و فرهنگی‌اش تفسیر کند.
- قضاوت بالینی (Clinical Judgment): مددکاران اجتماعی برای تفسیر رفتار مددجویان خود نیازمند قضاوت بالینی هستند. قضاوت بالینی مهارتی است که از طریق تجربه و آموزش به دست می‌آید و به مددکار کمک می‌کند تا بتواند تصمیمات مناسبی در مورد نحوه ارائه خدمات به مددجو بگیرد.

۴.۱) گزینه ۱)

شرح سوال:

- سوال مطرح شده در خصوص نظریه وظیفه‌مداری در مددکاری اجتماعی است. این نظریه بر نقش فعال مددکار و مراجع در شناسایی و حل مشکلات تأکید دارد. سوال می‌پرسد که در این نظریه، فعالیت مددکاران اجتماعی بر روی چه نوع مشکلاتی متمرکز است.
- دلایل علمی گزینه مناسب:
- نظریه وظیفه‌مداری (Task-Centered Approach) یکی از رویکردهای مهم در مددکاری اجتماعی است که بر انجام وظایف و اقدامات مشخص برای حل مشکلات مراجعان تأکید دارد. در این نظریه، مشکلات مراجعان به صورت واضح و قابل تعریف شناسایی شده و سپس با همکاری مددکار و مراجع، راه حل‌های عملی و قابل اجرا برای آنها تعیین می‌شود.
- بر اساس منابع علمی روز دنیا، از جمله کتاب "مددکاری اجتماعی: نظریه‌ها و روش‌ها" نوشته دکتر احمد صافی، نظریه وظیفه‌مداری دارای ویژگی‌های زیر است:
- تمرکز بر مشکلات قابل تعریف: در این نظریه، مشکلات مراجعان باید به صورت دقیق و قابل تعریف مشخص شوند تا بتوان برای آنها راه حل‌های مناسبی پیدا کرد.
 - تأکید بر اقدامات قابل حل: نظریه وظیفه‌مداری بر انجام اقدامات عملی و قابل حل برای مشکلات تأکید دارد. این اقدامات باید با توجه به شرایط و توانایی‌های مراجعان تعیین شوند.
 - مشارکت مراجعان: در این نظریه، مراجعان نقش فعالی در شناسایی و حل مشکلات خود دارند و با مددکار همکاری می‌کنند.
 - مورد تأیید مراجعان: راه حل‌های انتخاب شده برای مشکلات باید مورد تأیید و پذیرش مراجعان باشند تا بتوانند به طور مؤثر اجرا شوند.
- با توجه به این ویژگی‌ها، گزینه ۱ که بیان می‌کند فعالیت مددکاران اجتماعی در نظریه وظیفه‌مداری معطوف به "مشکلاتی که قابل تعریف و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده و مورد تأیید مراجعان باشند" صحیح است.



تجزیه و تحلیل و تفسیر گزینه صحیح:

گزینه ۱ به درستی بیان می‌کند که در نظریه وظیفه مداری، مددکاران اجتماعی بر روی مشکلاتی تمرکز می‌کنند که دارای سه ویژگی هستند: قابل تعریف: مشکل باید به گونه ای واضح و مشخص باشد که بتوان آن را به درستی درک و تحلیل کرد. ابهام و کلی گویی در تعریف مشکل، مانع از یافتن راه حل مناسب می‌شود.

۲. همراه با اقدام‌های قابل حل: برای حل مشکل، باید راه حل‌های عملی و قابل اجرا وجود داشته باشد. این راه‌ها باید با توجه به شرایط و امکانات مراجع و همچنین با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود، تعیین شوند.

۳. مورد تأیید مراجعان: مراجعان باید راه حل‌های پیشنهادی را بپذیرند و با اجرای آنها موافق باشند. در غیر این صورت، احتمال موفقیت در حل مشکل کاهش می‌یابد.

بنابراین، نظریه وظیفه مداری بر این اصل استوار است که مددکار و مراجع با همکاری یکدیگر، مشکلاتی را که قابل تعریف، قابل حل و مورد تأیید مراجع هستند، شناسایی و برای آنها راه حل‌های مناسبی پیدا کنند.

تحلیل و تفسیر و نقد و بررسی بیشتر گزینه صحیح:

نظریه وظیفه مداری با تأکید بر مشکلات قابل تعریف، گامی مهم در جهت افزایش شفافیت و کارآمدی فرایند مددکاری اجتماعی برداشته است. این رویکرد با مشخص کردن دقیق مشکل، از اتلاف وقت و انرژی مددکار و مراجع در پرداختن به مسائل مبهم و غیر قابل حل جلوگیری می‌کند.

همچنین، تأکید بر اقدامات قابل حل، رویکردی عملگرایانه را در مددکاری اجتماعی ترویج می‌دهد. به جای تمرکز صرف بر تحلیل و بررسی مشکل، این نظریه بر انجام اقدامات واقعی و ملموس برای حل آن تأکید دارد.

مشارکت مراجعان در فرایند حل مشکل نیز از نکات مثبت این نظریه است. با مشارکت فعال مراجعان، احساس مسئولیت آنها در قبال حل مشکل افزایش یافته و احتمال موفقیت در این زمینه بیشتر می‌شود.

در نهایت، مورد تأیید بودن راه حل‌ها توسط مراجعان، از اهمیت زیادی برخوردار است. راه حلی که مراجع آن را نپذیرد، عملاً قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین، جلب رضایت و موافقت مراجعان، از اصول اساسی در نظریه وظیفه مداری است.

با این حال، نظریه وظیفه مداری نیز مانند هر نظریه دیگری، با محدودیت‌هایی روبروست. برخی از منتقدان معتقدند که این نظریه بیش از حد بر مشکلات عینی و قابل مشاهده تأکید دارد و به مسائل ذهنی و عاطفی مراجعان به اندازه کافی توجه نمی‌کند.

همچنین، برخی دیگر از منتقدان بر این باورند که این نظریه، نقش عوامل ساختاری و اجتماعی را در ایجاد مشکلات نادیده می‌گیرد و بیش از حد بر عوامل فردی تأکید دارد.

با وجود این انتقادات، نظریه وظیفه مداری همچنان یکی از رویکردهای مؤثر و پرکاربرد در مددکاری اجتماعی است و با تمرکز بر مشکلات قابل تعریف، اقدامات قابل حل و مشارکت مراجعان، به حل مشکلات آنها کمک می‌کند.

تحلیل و تشریح تخصصی گزینه‌های سوال و اصطلاحات مربوطه

در ادامه به بررسی دقیق تر هر یک از گزینه‌های مطرح شده در سوال و چرایی عدم انتخاب آنها از منظر تخصصی مددکاری اجتماعی و نظریه‌های آن پرداخته می‌شود و اصطلاحات تخصصی مربوط به هر گزینه به همراه معادل انگلیسی و شرح آنها ارائه می‌گردد:

گزینه ۲: مشکلاتی که قابل تعریف بوده اما مراجعان تعریف درستی از آن نداشته ولی به دنبال تغییر آن باشند.

• **تحلیل:** این گزینه با اصول نظریه وظیفه مداری در تضاد است. در این نظریه، تعریف دقیق و مشترک از مشکل بین مددکار و مراجع، رکن اساسی محسوب می‌شود. اگر مراجع تعریف درستی از مشکل نداشته باشد، چگونه می‌توان برای آن راه حل مناسبی پیدا کرد؟ در واقع، این وضعیت نشان دهنده عدم آمادگی مراجع برای همکاری در فرایند حل مشکل است.

• **اصطلاح تخصصی:** Problem Definition (تعریف مشکل). در نظریه وظیفه مداری، تعریف دقیق و واضح مشکل، اولین گام در فرایند کمک‌رسانی است.

گزینه ۳: مشکلاتی که قابل تعریف و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده، اما مراجعان توانایی تحلیل آن را نداشته باشند.

• **تحلیل:** اگرچه مشکل قابل تعریف و راه حل آن نیز موجود است، اما عدم توانایی مراجع در تحلیل مشکل، می‌تواند مانع از مشارکت فعال او در فرایند حل آن شود. در نظریه وظیفه مداری، مشارکت مراجع در تمام مراحل حل مشکل، از جمله تحلیل آن، ضروری است.

• **اصطلاح تخصصی:** Client Participation (مشارکت مراجع). در نظریه وظیفه مداری، مراجع نه تنها دریافت‌کننده کمک، بلکه مشارکت‌کننده فعال در فرایند حل مشکل خود است.

گزینه ۴: مشکلاتی که ناشی از خواست‌های برآورده نشده و همراه با اقدام‌های قابل حل بوده، اما مراجعان نسبت به آنها آگاه نباشند.

• **تحلیل:** این گزینه نیز با اصول نظریه وظیفه مداری سازگار نیست. در این نظریه، آگاهی مراجع از مشکل و راه حل‌های آن، شرط لازم برای شروع فرایند کمک‌رسانی است. اگر مراجع از مشکل خود آگاه نباشد، چگونه می‌تواند برای حل آن اقدام کند؟

- **اصطلاح تخصصی:** Client Awareness (آگاهی مراجع). در نظریه وظیفه مداری، مراجع باید از مشکل خود و راه حل های احتمالی آن آگاه باشد تا بتواند در فرایند حل آن مشارکت کند.

نکات تخصصی بیشتر

- نظریه وظیفه مداری بر **اهداف کوتاه مدت و قابل دستیابی** تأکید دارد. این امر به مراجع کمک می کند تا پیشرفت خود را در مسیر حل مشکل مشاهده کند و انگیزه بیشتری برای ادامه راه داشته باشد.
- در این نظریه، **ارزیابی مداوم** از پیشرفت مراجع در انجام وظایف و حل مشکلات، از اهمیت زیادی برخوردار است. این ارزیابی به مددکار کمک می کند تا در صورت لزوم، برنامه کمک رسانی را تعدیل کند.
- نظریه وظیفه مداری را می توان در موقعیت های مختلف و برای حل مشکلات متنوعی به کار برد. با این حال، این نظریه بیشتر برای حل مشکلاتی که **جنبه عینی و رفتاری** دارند، مناسب است.

اصطلاحات تخصصی بیشتر

- **Task-Centered Approach:** (نظریه وظیفه مداری) رویکردی در مددکاری اجتماعی که بر انجام وظایف و اقدامات مشخص برای حل مشکلات مراجعان تأکید دارد.
- **Short-Term Goals:** (اهداف کوتاه مدت) اهدافی که در مدت زمان کوتاهی قابل دستیابی هستند و به مراجع کمک می کنند تا پیشرفت خود را در مسیر حل مشکل مشاهده کند.
- **Ongoing Evaluation:** (ارزیابی مداوم) فرایندی که در آن پیشرفت مراجع در انجام وظایف و حل مشکلات به طور منظم ارزیابی می شود.
- **Objective and Behavioral Problems:** (مشکلات عینی و رفتاری) مشکلاتی که قابل مشاهده و اندازه گیری هستند و به طور مستقیم با رفتار فرد مرتبطند.

۴۲. گزینه ۳

منظور و موضوع سوال: سوال در مورد رویکرد خانواده درمانی ناتان آکرمن و نقش مددکار اجتماعی در این رویکرد است. هدف اصلی، کمک به خانواده برای حل مشکلات و بهبود عملکرد آنها است.

دلایل علمی انتخاب گزینه صحیح

ناتان آکرمن، از پیشگامان رویکرد روان پویایی در خانواده درمانی، بر اهمیت پویایی های ناخودآگاه و الگوهای تعاملی در خانواده تأکید داشت. او معتقد بود که مشکلات فردی و خانوادگی اغلب ریشه در تعارضات ناگفته و حل نشده در روابط بین فردی دارند. در مدل خانواده درمانی آکرمن، مددکار اجتماعی نقش تسهیل کننده را ایفا می کند و به اعضای خانواده کمک می کند تا:

۱. **تضادهای بین فردی را شناسایی و آشکار کنند:** مددکار با ایجاد فضایی امن و اعتمادبخش، اعضای خانواده را تشویق می کند تا احساسات، نیازها و تضادهای خود را به صورت صادقانه بیان کنند. این امر به شناسایی الگوهای مخرب و ناکارآمد در روابط خانوادگی کمک می کند.
۲. **به درک عمیق تری از ریشه های تضادها برسند:** مددکار با استفاده از تکنیک های مختلف مانند پرسش های کاوشگرانه، تفسیر و تحلیل الگوهای ارتباطی، به اعضای خانواده کمک می کند تا ریشه های ناخودآگاه تضادها را درک کنند. این شناخت، زمینه را برای تغییر الگوهای مخرب و ایجاد روابط سالم تر فراهم می کند.
۳. **راهکارهای سازنده ای برای حل تضادها پیدا کنند:** پس از شناسایی و درک تضادها، مددکار به اعضای خانواده کمک می کند تا راهکارهای سازنده ای برای حل آنها پیدا کنند. این راهکارها می تواند شامل تغییر در الگوهای ارتباطی، بهبود مهارت های حل مسئله، و افزایش همدلی و درک متقابل باشد.

تحلیل و تفسیر گزینه صحیح

گزینه ۳، "افشای صادقانه تر تضادهای بین فردی"، به طور مستقیم با رویکرد آکرمن در خانواده درمانی مرتبط است. آکرمن معتقد بود که پنهان کردن و نادیده گرفتن تضادها، منجر به تشدید مشکلات و ایجاد الگوهای مخرب در روابط خانوادگی می شود. بنابراین، او بر اهمیت افشای صادقانه تضادها و پرداختن به آنها در یک فضای امن و حمایتی تأکید داشت.

مددکار اجتماعی در رویکرد آکرمن، با ایجاد فضایی که در آن اعضای خانواده احساس امنیت و اعتماد می کنند، آنها را تشویق می کند تا تضادهای خود را به صورت آزادانه بیان کنند. این امر می تواند شامل تضادهای بین زوجین، والدین و فرزندان، و سایر اعضای خانواده باشد. مددکار با استفاده از تکنیک های مختلف، به اعضای خانواده کمک می کند تا:

- احساسات و نیازهای خود را به صورت واضح و صادقانه بیان کنند.
- دیدگاه های یکدیگر را درک کنند و به تفاوت ها احترام بگذارند.
- الگوهای ارتباطی مخرب و ناکارآمد را شناسایی کنند.
- راهکارهای سازنده ای برای حل تضادها پیدا کنند.



با پرداختن به تضادها به صورت صادقانه و سازنده، اعضای خانواده می‌توانند روابط خود را بهبود بخشند، الگوهای مخرب را تغییر دهند، و به سطح بالاتری از سلامت روان و عملکرد خانوادگی دست یابند.

سایر گزینه‌ها

سایر گزینه‌ها، اگرچه ممکن است در برخی رویکردهای دیگر خانواده‌درمانی مورد توجه باشند، اما به طور مستقیم با رویکرد ناتان آکرم مرتبط نیستند. برای مثال، گزینه ۱ ("تلاش و کوشش جهت همبستگی") بیشتر با رویکردهای سیستمی خانواده‌درمانی مرتبط است که بر اهمیت ساختار و سازمان خانواده تأکید دارند. گزینه ۴ ("تمایز بین سیستم‌های عاطفی و فکری خانواده") نیز بیشتر با رویکرد بوئن در خانواده‌درمانی مرتبط است که بر اهمیت تمایز فردی و استقلال اعضای خانواده تأکید دارد.

تحلیل و تشریح کامل گزینه‌های سوال و اصطلاحات تخصصی

در ادامه به بررسی دقیق‌تر هر یک از گزینه‌های سوال و چرایی عدم انتخاب آن‌ها از منظر تخصصی مددکاری اجتماعی (نظریه‌های مددکاری اجتماعی) می‌پردازیم و اصطلاحات تخصصی مرتبط با سوال و گزینه‌ها را به همراه معادل انگلیسی و تشریح کامل آنها ارائه می‌دهیم:

۱. تلاش و کوشش جهت همبستگی (Striving for Cohesion):

- **دلیل عدم انتخاب:** این گزینه بیشتر با رویکردهای سیستمی در خانواده‌درمانی مرتبط است. در رویکرد سیستمی، خانواده به عنوان یک سیستم واحد در نظر گرفته می‌شود و بر اهمیت همبستگی و تعادل در سیستم تأکید می‌شود. در حالی که آکرم بیشتر بر پویایی‌های ناخودآگاه و تعارضات بین فردی در خانواده تمرکز داشت.

- **تشریح اصطلاح:** همبستگی در خانواده به میزان پیوستگی عاطفی و تعامل بین اعضای خانواده اشاره دارد. در خانواده‌های سالم، همبستگی به اندازه کافی وجود دارد تا اعضا احساس تعلق و حمایت کنند، اما در عین حال، از استقلال فردی نیز برخوردارند.

۲. درک و بررسی مشارکت بین نسلی (Understanding and Examining Intergenerational Participation):

- **دلیل عدم انتخاب:** اگرچه بررسی الگوهای بین نسلی می‌تواند در شناخت مشکلات خانواده مفید باشد، اما این موضوع، هسته اصلی رویکرد آکرم را تشکیل نمی‌دهد. آکرم بیشتر بر تعارضات و پویایی‌های موجود در نسل فعلی خانواده تمرکز داشت.

- **تشریح اصطلاح:** مشارکت بین نسلی به الگوهای تعامل و ارتباط بین نسل‌های مختلف خانواده (مانند پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزندان) اشاره دارد. بررسی این الگوها می‌تواند به شناسایی مشکلات و الگوهای تکراری در خانواده کمک کند.

۳. افشای صادقانه‌تر تضادهای بین فردی (More Honest Disclosure of Interpersonal Conflicts):

- **دلیل انتخاب:** همانطور که قبلاً توضیح داده شد، این گزینه به طور مستقیم با رویکرد آکرم در خانواده‌درمانی مرتبط است. آکرم بر اهمیت افشای صادقانه تضادها و پرداختن به آنها در یک فضای امن و حمایتی تأکید داشت.

- **تشریح اصطلاح:** تضاد بین فردی به تعارضات و اختلافاتی که بین افراد در یک خانواده وجود دارد، اشاره دارد. این تضادها می‌توانند ناشی از عوامل مختلفی مانند تفاوت در نیازها، انتظارات، ارزش‌ها و الگوهای ارتباطی باشد.

۴. تمایز بین سیستم‌های عاطفی و فکری خانواده (Differentiation Between Emotional and Intellectual Systems of the Family):

- **دلیل عدم انتخاب:** این گزینه بیشتر با رویکرد بوئن در خانواده‌درمانی مرتبط است. بوئن بر اهمیت تمایز فردی و استقلال اعضای خانواده تأکید داشت و معتقد بود که مشکلات خانوادگی اغلب ناشی از عدم تمایز بین سیستم‌های عاطفی و فکری اعضا است. در حالی که آکرم بیشتر بر تعارضات و پویایی‌های ناخودآگاه در خانواده تمرکز داشت.

- **تشریح اصطلاح:** تمایز در خانواده به توانایی اعضا در حفظ استقلال عاطفی و فکری خود در عین حفظ ارتباط با سایر اعضای خانواده اشاره دارد. در خانواده‌های سالم، اعضا می‌توانند احساسات خود را بیان کنند و در عین حال، از دیدگاه‌های دیگران نیز آگاه باشند.

۴۳. گزینه ۴)

منظور و موضوع سوال: سوال در مورد مفهوم تمایز یافتگی خود در نظریه سیستم‌های خانواده بوئن است. این نظریه بر اهمیت تمایز فردی در روابط خانوادگی تأکید دارد.

دلایل علمی انتخاب گزینه صحیح

موری بوئن، روانپزشک آمریکایی، نظریه سیستم‌های خانواده را مطرح کرد. یکی از مفاهیم کلیدی در این نظریه، تمایز یافتگی خود است. تمایز یافتگی به توانایی فرد در تشخیص و مدیریت احساسات و افکار خود در مواجهه با فشارهای خانوادگی اشاره دارد. فردی که از تمایز یافتگی بالایی برخوردار است، می‌تواند در شرایط دشوار، احساسات خود را کنترل کند و تصمیمات منطقی بگیرد. در مقابل، فردی که تمایز یافتگی پایینی دارد، بیشتر تحت تأثیر احساسات و فشارهای دیگران قرار می‌گیرد و ممکن است واکنش‌های هیجانی و نامناسب نشان دهد.



تحلیل و تفسیر گزینه صحیح

گزینه ۴ به درستی مفهوم تمایز یافتگی را توضیح می‌دهد. فردی که تمایز یافته است، قادر است بین افکار و احساسات خود تمایز قائل شود و واکنش‌های مناسبی نشان دهد. این بدان معناست که فرد می‌تواند در مواقعی که با نظرات مخالف یا فشارهای خانوادگی روبرو می‌شود، احساسات خود را کنترل کند و به صورت منطقی و مستقلانه تصمیم بگیرد.

برای مثال، فردی که تمایز یافتگی بالایی دارد، می‌تواند در یک بحث خانوادگی، نظرات خود را به صورت آرام و منطقی بیان کند، حتی اگر با مخالفت دیگران روبرو شود. او می‌تواند احساسات خود را مدیریت کند و از واکنش‌های هیجانی مانند عصبانیت یا پرخاشگری پرهیز کند. در مقابل، فردی که تمایز یافتگی پایینی دارد، ممکن است در چنین شرایطی، احساسات خود را کنترل نکند و واکنش‌های هیجانی نشان دهد.

نکات تخصصی بیشتر

- **نظریه سیستم‌های خانواده بوئن:** بوئن معتقد بود که خانواده یک سیستم است که در آن اعضا به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. او بر اهمیت تمایز فردی در روابط خانوادگی تأکید داشت و معتقد بود که مشکلات خانوادگی اغلب ناشی از عدم تمایز بین اعضای خانواده است.
- **مقیاس تمایز یافتگی:** بوئن برای سنجش سطح تمایز یافتگی افراد، مقیاسی را طراحی کرد که شامل سؤالاتی در مورد نحوه واکنش فرد در موقعیت‌های مختلف خانوادگی است.
- **تمایز یافتگی و سلامت روان:** مطالعات نشان داده است که تمایز یافتگی بالا با سلامت روان بیشتر، روابط بهتر و عملکرد بهتر در زندگی مرتبط است.

تحلیل و تشریح کامل گزینه‌های سوال و اصطلاحات تخصصی

در ادامه به بررسی دقیق‌تر هر یک از گزینه‌های سوال و چرایی عدم انتخاب آن‌ها از منظر تخصصی مددکاری اجتماعی (نظریه‌های مددکاری اجتماعی) می‌پردازیم و اصطلاحات تخصصی مرتبط با سوال و گزینه‌ها را به همراه معادل انگلیسی و تشریح کامل آنها ارائه می‌دهیم:

۱. **به توانایی فرد برای جدا کردن خویش از خانواده گسترده اشاره دارد (Refers to the individual's ability to separate himself from the extended family)**

- **دلیل عدم انتخاب:** این گزینه اگرچه به نوعی به استقلال فردی اشاره دارد، اما تعریف دقیقی از تمایز یافتگی ارائه نمی‌دهد. تمایز یافتگی صرفاً به معنای جدایی فیزیکی یا عاطفی از خانواده نیست، بلکه به توانایی فرد در حفظ استقلال فکری و احساسی در عین حفظ ارتباط با خانواده اشاره دارد.

- **تشریح اصطلاح:** خانواده گسترده (Extended Family) شامل والدین، فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ، عمه، عمو، خاله و دایی و فرزندان آنها می‌شود. در برخی فرهنگ‌ها، خانواده گسترده نقش مهمی در زندگی افراد ایفا می‌کند و حمایت‌های اجتماعی و عاطفی فراوانی ارائه می‌دهد.

۲. **هرچه میزان تمایز یافتگی بیشتر باشد، فرد رابطه صمیمانه‌تری با خانواده خواهد داشت (The higher the level of differentiation, the more intimate relationship the person will have with the family)**

- **دلیل عدم انتخاب:** این گزینه کاملاً نادرست است. تمایز یافتگی بالا به معنای دوری از خانواده نیست، بلکه به معنای حفظ استقلال فردی در عین حفظ ارتباط با خانواده است. فردی که تمایز یافتگی بالایی دارد، می‌تواند روابط صمیمانه و سالمی با اعضای خانواده خود داشته باشد، اما در عین حال، از استقلال فکری و احساسی خود نیز برخوردار است.

- **تشریح اصطلاح:** صمیمیت (Intimacy) به احساس نزدیکی و ارتباط عاطفی عمیق بین افراد اشاره دارد. در روابط صمیمانه، افراد احساس می‌کنند که مورد پذیرش و درک قرار می‌گیرند و می‌توانند احساسات و افکار خود را به راحتی با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

۳. **تمایز یافتگی خود، بیشتر از آنکه از ویژگی‌های رابطه به شمار رود، ویژگی فردی محسوب می‌شود (Self-differentiation is more of an individual characteristic than a relationship characteristic)**

- **دلیل عدم انتخاب:** تمایز یافتگی هم ویژگی فردی است و هم تحت تأثیر روابط خانوادگی قرار دارد. فرد در طول زندگی خود و در تعامل با اعضای خانواده، سطح تمایز یافتگی خود را توسعه می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان آن را صرفاً یک ویژگی فردی دانست.

- **تشریح اصطلاح:** ویژگی فردی (Individual Characteristic) به خصوصیات و ویژگی‌هایی اشاره دارد که فرد را از دیگران متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها می‌تواند شامل ویژگی‌های شخصیتی، علایق، استعدادها و توانایی‌ها باشد.

۴. **به توانایی فرد برای تمایز قائل شدن بین افکار و احساسات خود و انجام واکنش‌های درست اشاره دارد (Refers to the individual's ability to distinguish between his thoughts and feelings and to make correct reactions)**

- **دلیل انتخاب:** همانطور که قبلاً توضیح داده شد، این گزینه به درستی مفهوم تمایز یافتگی را توضیح می‌دهد. فردی که تمایز یافته است، قادر است بین افکار و احساسات خود تمایز قائل شود و واکنش‌های مناسبی نشان دهد. این بدان معناست که فرد می‌تواند در مواقعی که با نظرات مخالف یا فشارهای خانوادگی روبرو می‌شود، احساسات خود را کنترل کند و به صورت منطقی و مستقلانه تصمیم بگیرد.

- **تشریح اصطلاح:** واکنش (Reaction) به پاسخ فرد در برابر یک محرک یا وضعیت خاص اشاره دارد. واکنش‌ها می‌توانند هیجانی، فکری یا رفتاری باشد.